

کیهان

حقیقت ایمان جز با **توئی** نسسبت به خدا و **ولایت مظاهرش** و **تبری** از دشمنان خدا و **مظاهرش** یعنی **طوایف** تحقق نمی‌یابد. بنابراین، لازم است تا حقیقت **تولی** و **تبری** شناخته شوند: **زیر بدون تولی و تبری، ایمانی تحقق نمی‌یابد و هر کسی مدعی ایمان باشد ولی تولی و تبری نداشته باشد، به عنوان پهلوی از دنیا می‌رود و به دوزخ برده می‌شود.**

پی‌گمان روز عید غدیر **روز عظیمی است که در آن روز ابعاد تمام و کمال تولی و تبرّی ظهور کرده و پیامبر(ص) با بیان جملاتی از جمله «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَمِنْهُدَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ اَللّٰهُمَّ وَاَلِ مِنْ وَاَلَاةٍ وَاَعَادَ مِنْ غَاةَا، وَاَنْصُرْ مَنْ نَصَرْتُهُ، وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلْتُهُ»** بر حقیقت **تولی** و **تبری** تاکید کرده و خدا آن را نشانگر تکمیل‌شدن دین و به تمامیت رسیدن نعمت دانسته است.

بنابراین، شناخت **تولّی** و **تبری** به معنای شناخت حقیقت اکمال دین و اتمام نعمت **ولایت الهی** و **رضایت** نسبت به **اسلام به عنوان تنها دین مقبول و مورد رضایت** خدا است.

نویسنده در نوشتار حاضر درباره اهمیت **تولّی** و **تبری** و تمسک به **ولایت الهی** و **مظاهر آن سخن** گفته است.

حقیقت تولّی و تبرّی و آثار آن

خدا در قرآن، ایمان را به «حُبّ و بغض» و «تولی و تبرّی» تفسیر کرده‌است. این بدان معناست که حقیقت ایمان دارای دو بُعد نفی و اثبات است. بنابراین، لازم است تا مؤمنان، حقیقت این تفاسیر الهی را بشناسند و براساس آن زندگی خویش را شکل دهند تا رستگاری را در سایه ایمان به دست آورند.

تولّی از واژه «تَوَلَّیَ» به معنای پذیرش سرپرستی براساس ولایت الهی است؛ زیرا از نظر قرآن، ولایت الهی تنها ولایت حقانی است(شوری، آیات ۹ و ۲۸) که پذیرش آن مساوی با رستگاری در دنیا و خروج از ظلمات به سوی نور است، در حالی که عدم پذیرش ولایت الهی مساوی با پذیرش ولایت طاغوت و خروج از نور به سوی ظلمات است(بقره، آیات ۲۵۷) و از نظر قرآن، ولّی و مولی کسی است که صفر تا صد چیزی در اختیار اوست و این سرپرستی و ولایت را براساس محبت و رحمت دارد؛ از همین‌رو برخی‌ها ولایت را به معنای محبت گرفته‌اند، که البته لازمه معنایی ولایت است؛ زیرا ولایت متضمن محبت است، هرچند که عدای بر این یابردن که محبت همواره ملازم با ولایت نیست؛ زیرا هر که ولی و مولی باشد، این ولایتش همراه با محبت است، اما ممکن است کسی محبت بورزد، ولی سرپرستی را نپذیرد و صدردصد امری را به‌عهده نگرد. اما از نظر فکر این چنین نیست: «زیرا حقیقت «محبت» چیزی جز ارتباط ولایی و حتی تبعیت و اطاعت نیست؛ از همین‌رو خدا نوعی ملازمه میان محبت و تبعیت و اطاعت را مورد تأکید قرار می‌دهد(آل عمران، آیات ۳۱ و ۳۲) و مولی کسی که واقعاً کسی

پسندیده نیست.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۱۲۱) بنابراین، وقتی در تقابل با تولّی قرار می‌گیرد، به معنای برالت جستن از ولایت طاغوت است که در برابر ولایت الهی قرار می‌گیرد. از همین‌رو خدا در قرآن، ولایت الهی را در برابر ولایت طاغوت قرار داده و تبرّی از آن را در قالب «جنبّو» و مانند آنها پیشنهاد شده است؛ زیرا از نظر قرآن، ولایت‌پذیری چیزی جز نوعی «عبودیت» نیست که می‌تواند عبدالله شود یا عبدالطاغوت.(بقره، آیات ۲۵۶ و ۲۵۷؛ نحل، آیه ۳۶؛ مائده، آیه ۶۰؛ زمر، آیه ۱۷)

از آنجا که طاغوت به کسی گفته می‌شود که در طغیان به نهایت درجه خود رسیده باشد، مصادیق آن می‌تواند ابلیس شیطانی و کافران و مشرکان و مانند آنها، بلکه حتی افرادی از مدعیان اسلام باشند که در عمل، کافر به خدا و مؤمن به طاغوت هستند؛ زیرا آنان براساس فلسفه و سبک زندگی غیر اسلامی، زندگی خویش را سامان داده و در امور خویش به حاکمیت آنان دل بسته‌اند و برخلاف آموزه‌های وحیانی عمل می‌کنند.(نساء، آیات ۵۱ و ۶۰ و ۷۶؛ مائده، آیات ۵۷ و ۶۰ و ۶۸) بنابراین، از نظر قرآن، تولّی در ذات خویش متضمن «تبعیت» و «محبت» بلکه «عبودیت» است و وقتی از تبرّی نسبت به ولایت طاغوت سخن به میان می‌آید به معنای ترک تبعیت، محبت و عبودیت غیر الله است. از همین‌رو خدا در قرآن، به همه این ابعاد توجه داده است و محبت و نور ایمان را همراه با تنفر نسبت به کفر و عصیان و فسوق در دل مؤمنانی قرار داده که از نظر عقلی به رشد رسیده‌اند.(حجرات، آیه ۴) پس در دل‌های مؤمنان همان‌گونه که محبت به خدا قرار داده شده، بغض و تنفر نسبت به اضداد آن نیز قرار داده شده است(همان) این بدان معناست که حقیقت ایمان به خدا و بهره‌مندی از نور هدایت الهی، همراه با اطاعت و تبعیت و ترک نفی نفس و ارزش‌ها است که عقل و وحی آن را می‌شناسد و بدان گرایش دارد(همان)

بر این اساس، همواره میان مؤمن و کافر نوعی خط کشی در قالب خودی و غیر خودی وجود دارد و دو طرف نسبت به هم دشمنی و کینه‌توزی دارند(ممتحنه، آیه ۴)؛ زیرا مؤمن، به خدا و نور الهی گرایش و محبت دارد و آن تبعیت کرده و عبودیت

(۶۷) از همین‌رو امام علی بن موسی‌الرضا(ع) درباره حقیقت

می‌فرماید: کمال الدّین ولایتنا ولبّراته مِن عَزَّوَالِه کمال دین، در ولایت ما و بی‌زاری از دشمنان است(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۸) براساس این اصل که «هل الايمان الا الحب والبغض؛ ایمان چیزی جز محبت و بغض نیست» که برگرفته از آیه ۷ سوره حجرات است، امام محمدباقر(ع) می‌فرماید: مَنْ أَرَادَ أَنْ



الْبَيْتِ وَ يَتَّبِعُونُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ؛ شیعیان ما کسانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و به حج خانه خدا می‌روند، ماه رمضان را روزه می‌گیرند و ولایت اهل‌بیت را دارند و از دشمنانشان تبرّی و بی‌زاری می‌جویند(صفاتالشیعه، ص ۴) بنابراین، ارتباط میان تولّی و تبرّی و حُبّ و بغض و اطاعت و تبعیت و نیز کفر و فسق و عصیان و مانند آنها امری است که همه اهل ولایت می‌توانند آن را درک کنند. تفسیری بدان تأکید دارد. پس کسی که فلسفه و سبک زندگی او براساس دین و شریعت الهی نیست، نمی‌تواند مدعی باشد که اهل ایمان و ولایت الهی است. پیامبر گرامی اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر سر ولایت الهی معصومان(ع) که پس از ایشان می‌آیند تأکید داشته و از مؤمنان می‌خواهد تا با پذیرش ولایت آنها و تبرّی از دشمنانشان خود را در مسیر ایمان حفظ کنند و از لعن الهی دور شوند. ایشان می‌فرماید: احفظوا فی عترتی و ذرّتی، فَمَنْ خَفَضَنی فیهِم خَفَضَ الله، اَلَا لَعْنَةُ الله عَلَیْ مَنْ اَذْنٰی فیهِم؛ با پاسداری از حرمت عترت و فرزندان من، حرمت مرا نگه بدارید لعنت خدا بر کسانی که با اذیت کردن آنها مرا اذیت می‌کنند.(غدير دوم، ص ۳۵)

احکام الهی در یک سسط و میزان از نظر ارزشی نیستند؛ چنان‌که از نظر قرآن، نماز و زکات و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر از برجسته‌ترین احکام الهی است و امر به معروف و نهی از منکر از یک سو و تأسیس و تداوم حکومت که نمایانگر ایمان مؤمنان و نشانه‌های آن است(حج، آیات ۴۰ و ۴۱؛ بقره، آیات ۳ و ۴) اما براساس آموزه‌های وحیانی اتمام و اکمال دین و نعمت جز با تولّی و تبرّی تحقق نمی‌یابد؛ از همین‌رو گفته اند: «هماز ولی‌ای و نماز، بی‌وضو نود» امام جعفرصادق(ع) می‌فرماید: حُبّ اولیاء الله واجِب وِالْوَلایة لَهُم وَاِجِبَة وِالْبِرَة مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَاِجِبَة وَ مِنْ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ وِالْوَلایت و محبت اولیای خدا واجب است و بی‌زاری و تبرّی از دشمنانشان و از کسانی که با اذیت کردن آنها مرا اذیت می‌کنند(غدير دوم، ص ۵۱)

بنابراین، ولایت معصومان(ع) هرگز با ولایت دشمنان جمع نمی‌شود. این امر در همه ابعاد از جمله محبت و اطاعت و تبعیت خود را نشان می‌دهد. از همین‌رو مولی‌الموحدين امیرالمؤمنین(ع) نیز می‌فرماید: لايجتمع خُتنا و حُبّ عَدُوّنا فی جَوْفِ انسان، اِنَّ الله لَمْ يَجْعَلْ لِرَجُلٍ قَلْبَينِ اِذْ جَوْفُهُ فَيَحِبُّ بَهِدًا وَيُبْغِضُ بَهِدًا؛ دوستی خود ما با دوستی دشمن ما از یک سو و دشمنی خود ما با دوستی دشمن ما از یک سو نیست(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۱)

بنابراین، ولایت معصومان(ع) هرگز با ولایت دشمنان

جمع نمی‌شود. این امر در همه ابعاد از جمله محبت و اطاعت و تبعیت خود را نشان می‌دهد. از همین‌رو مولی‌الموحدين امیرالمؤمنین(ع) نیز می‌فرماید: لايجتمع خُتنا و حُبّ عَدُوّنا فی جَوْفِ انسان، اِنَّ الله لَمْ يَجْعَلْ لِرَجُلٍ قَلْبَينِ اِذْ جَوْفُهُ فَيَحِبُّ بَهِدًا وَيُبْغِضُ بَهِدًا؛ دوستی خود ما با دوستی دشمن ما از یک سو و دشمنی خود ما با دوستی دشمن ما از یک سو نیست(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۱)

هر چیزی دارای نشانه است و نشانه ایمان مؤمن، همان تولّی و تبرّی و حب و بغض است(بقره، آیات ۲۵۶ و ۲۵۷؛ حجرات، آیه ۳) از همین‌رو امام حسن عسکری(ع) در راستای تحقق ولایت الهی در دل مؤمنان می‌فرماید: احبّ فی الله و ابغض فی الله و وال فی الله و عاد فی الله فَاِنَّهُ لَاشْأَلُ وِلَايَةً اِلَّا بِإِيمَانٍ و یغض فی الله و یوال فی الله و عاد فی الله فَاِنَّهُ لَاشْأَلُ وِلَايَةً اِلَّا بِإِيمَانٍ و معصومان(ع) است. در این راستا خدا بصراحت از ولایت امیرمؤمنان علی(ع) به عنوان ولایت الهی سخن گفته و

خوهران پذیرش آن در قالب سرپرستی، تبعیت، اطاعت و محبت و مودت می‌شود؛ زیرا اکمال دین و اتمام نعمت ولایت الهی در مظاهر اوست که البته باید همراه با تبرّی نسبت به ولایت طاغوت باشد؛ زیرا جمع میان ولایت الهی و مظاهرش با ولایت طاغوت و مظاهرش امکان‌پذیر نیست.(مائده، آیات ۵۵ و ۵۶)

چند اثری داشته باشد: برای پرهیز از چنین نتایجی، توجه به چند نکته ضروری است:
آشنایی با مبانی یکدیگری
۱- اساساً یکی از روش‌های درست و مؤثر رسیدن به وحدت و همبستگی، آشنایی فرقه‌ها با مبانی و استدلالات یکدیگر است. هدف ما از تبیین غیر، در واقع تهاجری از یک‌پس و تبیین مبانی اعتقادی شیعه از سوی دیگر است، نه تغییر دیگر، ما با پرداختن به غدیر و طرح مباحث علمی (تاریخی، حدیثی، کلامی) مرتبط با آن، می‌خواهیم بگوییم: چرا شیعه هستیم و چرا مذهب ما پیروی از امیرالمؤمنین و دیگر اهل‌بیت است، اگر در این مسیر موفق باشیم، اتهام انحراف و غلو و خروج از جماعت و دیگر اتهامات مشابه، از ما دفع خواهد شد. ما با تبیین عالمانه غدیر، درصدد هستیم که بگوییم به سنت رسول خدا(صلی‌الله علیه و آله) و پایبندی و برای تبعیت از سنت رسول خدا است که ولایت و امامت علی‌بن‌ابی‌طالب را بر خود لازم می‌دانیم. پیروان دیگر فرق، اختیار دارند که در این رأی، با ما همراه نباشند؛ ولی

توجه به قدر متیقن
۴- کسانی که با مباحث کلامی و اعتقادی آشنایی دارند، می‌دانند که اختلاف مسلمانان در حدیث غدیر، در اصل آن نیست؛ بلکه در معنا و مفاد آن است. عموم مسلمانان (برادران اهل سنت) دلالت این حدیث بر خلافت و امامت امیرالمؤمنین علی(ع) را نمی‌پذیرند، ولی به‌رحال قبول دارند که این حدیث، بیانگر یک فضیلت اختصاصی برای آن حضرت است(توضیح زیر لفظ «مولی» – هر معنایی داشته باشد - از طرف رسول خدا برای کسی جز علی‌بن‌ابی‌طالب به کار نرفته است. پس با تأکید بر همان معنای حداقلی که در لفظ مولی وجود دارد نیز می‌توان به تعامل با پیروان دیگر فرقه‌ها پرداخت. به دیگر سخن، یکی از مشترکات همه مسلمانان، حدیث غدیر است و بر اساس این غدیر، همه مسلمانان موظفند امیرالمؤمنین علی(ع) را مولای خود بدانند. توجه به همین مقدار، یک محور بزرگ برای وحدت است و اختلاف مسلمانان در معنا و دلالت لفظ

تکفیر و ناسزاست. اما در تبیین غدیر، از این‌گونه امور پرهیز داریم و به هم‌کیشانی که این‌گونه اصول اخراقی و اعتقادی را رعایت نمی‌کنند، توصیه می‌کنیم به پیامدهای رفتار خود نبخشیند. وقتی در برخورد با دیگران، به‌جای بیان مؤذنبه و عالمانه دیدگاه خود، به توهین و ناسزایی‌های پerverزیم، ممکن است مخاطب، مقابل‌به‌همان کند و با کار یا به نزاع و درگیری بکشد؛ ولی کمترین واکنش او این است که گوش خود را می‌بندد تا سکوت کند و توبیخ و ناسزا را از شنود و وقتی گوش خود را بسته، کلام حق ما را نیز نخواهد شنید؛ در این صورت، رسالت ما در دفاع از حق و تبیین حقایق تاریخی، به سرانجام نخواهد رسید. **توجه به مشترکات**

۲- آنچه باعث تشدید تفرقه و خصومت است، توهین و تکفیر و ناسزاست. اما در تبیین غدیر، از این‌گونه امور پرهیز داریم و به هم‌کیشانی که این‌گونه اصول اخراقی و اعتقادی را رعایت نمی‌کنند، توصیه می‌کنیم به پیامدهای رفتار خود نبخشیند. وقتی در برخورد با دیگران، به‌جای بیان مؤذنبه و عالمانه دیدگاه خود، به توهین و ناسزایی‌های پerverزیم، ممکن است مخاطب، مقابل‌به‌همان کند و با کار یا به نزاع و درگیری بکشد؛ ولی کمترین واکنش او این است که گوش خود را می‌بندد تا سکوت کند و توبیخ و ناسزا را از شنود و وقتی گوش خود را بسته، کلام حق ما را نیز نخواهد شنید؛ در این صورت، رسالت ما در دفاع از حق و تبیین حقایق تاریخی، به سرانجام نخواهد رسید. **توجه به مشترکات**

۳- یکی از نکات اساسی در مسیر ایجاد وحدت و همبستگی میان مسلمانان، پرداختن به مشترکات است. حدیث غدیر به تواتر

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

کسی که واقعاً کسی را دوست می‌دارد، از وی تبعیت و اطاعت می‌کند. بنابراین وقتی خدا می‌فرماید که مودت و محبت اهل‌بیت(ع) به عنوان تکلیف الهی برای مؤمنان است، به این معنا است که تبعیت و اطاعت از آنان نیز لازمه این تکلیف الهی است و کسی نمی‌تواند مدعی محبت باشد ولی اطاعت و تبعیت نکند.

ابی‌طالب حصنی فَمَنْ دَخَلَ حصنی اَمِنْ مِنْ غُلَابِی؛ خداوند متعال می‌فرماید: ولایت علی بن ابی‌طالب جز و حصار من است. هر کس در این حصار جای گرفت از کفر من در امان خواهد بود.(سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۲) پیامبر گرامی اسلام(ص) در عظمت ولایت امیرمؤمنان(ع) که به حکم الهی در روز غدیر اعلان رسمی کرده، می‌فرماید: یا علی اِنَّ ولایتک لا تُقْبَلُ اِلَّا بِاِیْمَانِهِ مِنْ اَعْدَائِکَ و اَعْدَاءِ الْاِثْمَةِ مِنْ وَلَدِکَ؛ یا علی! تولّی تو جز با تبرّی از دشمنان تو و دشمنان امامان و فرزندان تو قبول نمی‌شود.(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۹۹)

همچنین حضرت می‌فرماید: و الَّذِی یُعْتَنِی بِالْحَقِّ نَبِیاً لَوْحاً اَحَدُکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ بِأَعْمَالِ کَامِلِ الْجِبَالِ و لَمْ یَجِءْ بِوَلَايَةِ عَلَیْ بنِ ابِی‌طالب اَللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ فی اَلْتَّارِ؛ هر کس که به آن کس که مرا به حق به پیامبری فرستاد اگر یکی از شما در روز قیامت به اندازه کوه‌ها عمل نیک داشته باشد ولی ولایت علی بن ابی‌طالب را نداشته باشد خداوند متعال او را به جهنم

در خواهد افکند.(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۷۱) از آنجا که ولایت الهی و مظاهرش، در میان احکام الهی از برتری برخوردار است؛ امام جعفرصادق(ع) می‌فرماید: لَوْ اَنْ نَصَبَا شَفْعٌ لَکُلِّ نَبِیٍّ مُرْسَلٌ و مَلِکٌ مُقَرَّبٌ مَا شَفَعُوا؛ اگر تمام پیغمبران و مرسل و همه فرشتگان مُقَرَّبٌ درباره ناصبی و دشمن اهل‌بیت(ع) شفاعت کنند شفاعتشان قبول نمی‌شود.(تولّی‌الاعمال، ص ۴۷) بنابراین تولّی و تبرّی در مومنان پس از پیامبر(ص) در تولّی مظاهر اسمای الهی یعنی معصومان(ع) و تبرّی از دشمنان ایشان باید خودش را نشان دهد؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: حُرِّمَتْ الْجَنَّةُ عَلَیْ مَنْ ظَلَمَ اَهْلَ بَیْتِی و عَلَی مَنْ قَاتَلَهُمْ و عَلَی الْمُحْسِنِینَ عَلَیْهِمْ و عَلَی مَنْ سَتَّاهُمْ؛ هر کس که به اهل‌بیت من ظلم و ستم کرده و با آنان مبارزه نموده و یا علیه آنها همدست شده و یا آنان را دشنام داده باشد، هرگز به بهشت راه نخواهد یافت.(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۲۲)

هر کسی بر نور هدایت فطری عقلی باشد، گرایش به ولایت الله و ولایت مظاهرش دارد و هر کسی چنین نیست، از فطرت الهی خویش خارج شده است؛ زیرا امام علی بن موسی‌الرضا(ع) می‌فرماید: مَنْ سَرَّهٗ اَنْ لَا یُکُونَ بَیْنَهُ و بَیْنِ الله حِجَابٌ فَاَیْتَوَلَّ اَلْ مُحِبُّ و یَتَّبِعْ مَنْ غَوَّیْهِ و یَأْتِمُ بِالْاِیْمَانِ مِنْهُمْ؛ هر کس دوست دارد بین او و خدا مانع و رادعی نباشد باید ولایت الهی محمد را دارا باشد؛ از دشمنانشان بی‌زاری بپزد و از امام معصوم(ع) پیروی کند.(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۱)

از نظر قرآن، تبرّی باید به گونه‌ای باشد که در همه ابعاد خودش را نشان دهد؛ یعنی هیچ‌گونه گرایش‌بی به دشمنان نشان ندهند؛ زیرا اگر گرایش داشته باشند و مثلاً مکمم دشمن اهل‌بیت(ع) را سریر کنند، نه‌تنها همراهی با دشمن است و جان او را نجات داده، بلکه گویی «ولی» را به قتل رسانیده است. امام جعفرصادق(ع) می‌فرماید: مَنْ اَشْبَحَ عَدُوًّا لَنَا فَقَدْ قَتَلَ وَلِیًّا لَنَا!؛ کسی که گرسنه‌ای از دشمنان ما را سریر کند در حقیقت یکی از متحان و پیروان ما را به قتل رسانده است(این اندازه گناه او بزرگ است).(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲)؛

اگر کسی رضایت الهی و رضایت پیامبر(ص) را می‌خواهد باید بداند که جز با رضایت معصومان(ع) تحقق نمی‌یابد. پس هر کسی بدان رضایت دست یابد رستگاری را پوی خواهد رقم زد. است. امام جعفرصادق(ع) می‌فرماید: لَا اِلَهَ اِلَّا بِالْحَبِّ وَ لَیْسَ مِنَ الْاِتِّیَالِ اِلَّا وَ الله و سَوَّلَهُ و تَحَنَّنَ عَنْهُ رَاضِیْنَ؛ به خدا سوگند جز این نیست کسی که با ولایت ما از دنیا برود او مسلماً با رضایت و خشودی خدا و رسول و خشودی ما(اهل‌بیت) از دنیا رفته است.(بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۷)

به هر حال، براساس آموزه‌های قرآن، تولّی و تبرّی امری مهم و اساسی در حقیقت ایمان است، به طوری که اگر تحقق نیابد، ایمانی تحقق نیافته است. پس همان‌گونه که اسوه‌های حسنه الهی از حضرت پیامبر(ص) و حضرت ابراهیم(ع) نسبت به دوست و دشمن در اشکال گوناگون تولّی و تبرّی داشته‌اند، مؤمنان هم باید از آنان سرمشق‌گیرند و این‌گونه عمل کنند و به صراحت تولّی و تبرّی خویش را اعلان کنند و در این امر تقیه ننمایند.(یونس، آیه ۲۱؛ ممتحنه، آیه ۴؛ توبه، آیات ۱ تا ۳؛ انعام، آیه ۱۹؛ کافرون، آیات ۱ تا ۶.)

پایبند بوده‌اند^(۱) در بسیاری از موارد، گزارش از ایجاد اختلاف به سبب جشن غدیر، گزارش نشده ولی گاهی چنین بوده و ازجمله، این مراسم که در میان شیعیان بغداد در قرن چهارم هجری رواج داشته، متأسفانه گاهی به درگیری‌هایی میان شیعیان و حنبلیان می‌انجامیده است.^(۲)

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان دریافت که در طول تاریخ، صرف پرداختن به غدیر موجب تفرقه و تضعیف وحدت اسلامی نشده؛ زیرا اگر چنین بود، دست‌کم دانشمندان اهل سنت از نقل آن پرهیز می‌کردند؛ پس تفرقه و درگیری، نه به سبب اصل مسئله، بلکه به سبب روش نادرست در پرداختن به آن و یا شاید

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان دریافت که در طول تاریخ، صرف پرداختن به غدیر موجب تفرقه و تضعیف وحدت اسلامی نشده؛ زیرا اگر چنین بود، دست‌کم دانشمندان اهل سنت از نقل آن پرهیز می‌کردند؛ پس تفرقه و درگیری، نه به سبب اصل مسئله، بلکه به سبب روش نادرست در پرداختن به آن و یا شاید

به سبب همراه کردن بحث غدیر با توهین و ناسزا و رفتارهای تحریک‌کننده بوده است. پس باید از این گذشته عبرت گرفت و در ضمن پایبندی به پیام غدیر و تلاش برای فهم و تبیین آن، از هر آنچه باعث تفرقه می‌شود و پیام غدیر را در پردای از درگیری و نزاع می‌پوشاند، پرهیز شود.

نتیجه
حدیث غدیر به‌عنوان حدیثی متواتر در میان مسلمانان، از مشترکات مسلمانان شمرده می‌شود و اگر پرداختن به آن با رویکرد تبیینی و با پرهیز از توهین و تندروی باشد، یک وظیفه دینی است که عمل به آن، نه‌تنها منافاتی با همبستگی و وحدت مسلمانان ندارد، بلکه می‌تواند به تحکیم روابط شیعیان با پیروان دیگر فرقه‌ها نیز بینجامد.

❖ مرتضی بهرامی خشودی

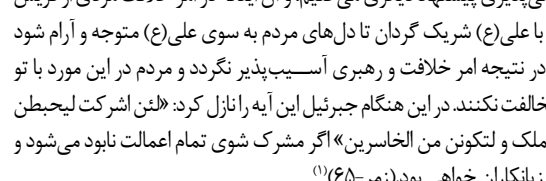
صفحه ۶
پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۴
۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۸۰



قال الامام علی(ع): «اربع خصال یسود بها المرء: العفّة، والادب، والجود والعقل.»
امام علی(ع) فرمود: چهار خصلت است که انسان به وسیله آنها بزرگی و سروری به دست می‌آورد: ۱- عفت و پاکدامنی ۲- ادب و نزاکت ۳- بذل و بخشش ۴- عقل و خرد.^(۱)



۱- مناقب این شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸



پرسش و پاسخ
راهبردهای مدیریتی امام علی (ع)
پرسش:
امام علی(ع) که در دوران خلافت با برکت خود بهترین الگوی رزماری و مدیریت را ارائه داد، چه راهبردهایی را می‌توان از سیره نظری و عملی آن حضرت به دست آورد؟

پاسخ:
اهم راهبردهای مدیریتی امام علی(ع) عبارتند از:
۱- تأخیر و صبر و شمر انسان در دنیا و آخرت
امام علی(ع) در پاسخ به عواملی که ش ر است و موجب هلاکت انسان را فراهم می‌کند فرمودند: شکم و عورت خود را از گناه حفظ کن چراکه هلاکت و نابودی تو در این دو عضو است(غزرالحکم، ج ۱)
۲- استقامت در ادامه فرمودند: دنیا و آخرت تو در چهار چیز است: ۱- راستگویی ۲- امانداری ۳- عفت ۴- اخلاق نیکو(اهل‌بیت، ج ۲۲۸)
سپس امام اشاره به تأثیر رفیق و دوست بد و منحرف فرمودند: همشین بد پارای از آتش است. (همان، ج ۹۸۱۹)
۳- استقامت در کارها و ثباتی و تأمل در آنها. انسان‌ها را از خطا و اشتباه برادر می‌دارند(همان، ج ۱۰۹۶۳)
سپس تأکید می‌فرمایند: چهل‌ریشه تملای فسادهای انسان و ریشه و اساس هر بدی است(همان، ج ۱۰۹۷).

۲- عوامل تکامل‌بخش و بازدارنده در سازمان
امام علی(ع) در پاسخ به اینکه چه عواملی را در تکامل و رشد و تعالی را در یک نظام مستقر کرده و جنبه بازدارندگی دارد فرمودند: پنج خصلت را و تکامل کمال را بر مردم می‌بیند: ۱- قناعت به دانایی ۲- حرص به دنیا ۳- بخل ورزیدن بر نیکب ۴- ریاکردن در کارها ۵- خودمحموری در تصمیم‌گیری و خودرایی.
سپس تأکید فرمودند: بیشتر لغزشگاه‌های افکار در سایه زرق و برق انواع طمع‌ها است (نهج‌البلاغه، ج ۱)
۳- تسبیح قرآن.
۴- تسبیح قرآن.
۵- تسبیح قرآن.
۶- تسبیح قرآن.
۷- تسبیح قرآن.
۸- تسبیح قرآن.
۹- تسبیح قرآن.
۱۰- تسبیح قرآن.
۱۱- تسبیح قرآن.
۱۲- تسبیح قرآن.
۱۳- تسبیح قرآن.
۱۴- تسبیح قرآن.
۱۵- تسبیح قرآن.
۱۶- تسبیح قرآن.
۱۷- تسبیح قرآن.
۱۸- تسبیح قرآن.
۱۹- تسبیح قرآن.
۲۰- تسبیح قرآن.
۲۱- تسبیح قرآن.
۲۲- تسبیح قرآن.
۲۳- تسبیح قرآن.
۲۴- تسبیح قرآن.
۲۵- تسبیح قرآن.
۲۶- تسبیح قرآن.
۲۷- تسبیح قرآن.
۲۸- تسبیح قرآن.
۲۹- تسبیح قرآن.
۳۰- تسبیح قرآن.
۳۱- تسبیح قرآن.
۳۲- تسبیح قرآن.
۳۳- تسبیح قرآن.
۳۴- تسبیح قرآن.
۳۵- تسبیح قرآن.
۳۶- تسبیح قرآن.
۳۷- تسبیح قرآن.
۳۸- تسبیح قرآن.
۳۹- تسبیح قرآن.
۴۰- تسبیح قرآن.
۴۱- تسبیح قرآن.
۴۲- تسبیح قرآن.
۴۳- تسبیح قرآن.
۴۴- تسبیح قرآن.
۴۵- تسبیح قرآن.
۴۶- تسبیح قرآن.
۴۷- تسبیح قرآن.
۴۸- تسبیح قرآن.
۴۹- تسبیح قرآن.
۵۰- تسبیح قرآن.
۵۱- تسبیح قرآن.
۵۲- تسبیح قرآن.
۵۳- تسبیح قرآن.
۵۴- تسبیح قرآن.
۵۵- تسبیح قرآن.
۵۶- تسبیح قرآن.
۵۷- تسبیح قرآن.
۵۸- تسبیح قرآن.
۵۹- تسبیح قرآن.
۶۰- تسبیح قرآن.
۶۱- تسبیح قرآن.
۶۲- تسبیح قرآن.
۶۳- تسبیح قرآن.
۶۴- تسبیح قرآن.
۶۵- تسبیح قرآن.
۶۶- تسبیح قرآن.
۶۷- تسبیح قرآن.
۶۸- تسبیح قرآن.
۶۹- تسبیح قرآن.
۷۰- تسبیح قرآن.
۷۱- تسبیح قرآن.
۷۲- تسبیح قرآن.
۷۳- تسبیح قرآن.
۷۴- تسبیح قرآن.
۷۵- تسبیح قرآن.
۷۶- تسبیح قرآن.
۷۷- تسبیح قرآن.
۷۸- تسبیح قرآن.
۷۹- تسبیح قرآن.
۸۰- تسبیح قرآن.
۸۱- تسبیح قرآن.
۸۲- تسبیح قرآن.
۸۳- تسبیح قرآن.
۸۴- تسبیح قرآن.
۸۵- تسبیح قرآن.
۸۶- تسبیح قرآن.
۸۷- تسبیح قرآن.
۸۸- تسبیح قرآن.
۸۹- تسبیح قرآن.
۹۰- تسبیح قرآن.
۹۱- تسبیح قرآن.
۹۲- تسبیح قرآن.
۹۳- تسبیح قرآن.
۹۴- تسبیح قرآن.
۹۵- تسبیح قرآن.
۹۶- تسبیح قرآن.
۹۷- تسبیح قرآن.
۹۸- تسبیح قرآن.
۹۹- تسبیح قرآن.
۱۰۰- تسبیح قرآن.

۲- عوامل تکامل‌بخش و بازدارنده در سازمان
امام علی(ع) در پاسخ به اینکه چه عواملی را در تکامل و رشد و تعالی را در یک نظام مستقر کرده و جنبه بازدارندگی دارد فرمودند: پنج خصلت را و تکامل کمال را بر مردم می‌بیند: ۱- قناعت به دانایی ۲- حرص به دنیا ۳- بخل ورزیدن بر نیکب ۴- ریاکردن در کارها ۵- خودمحموری در تصمیم‌گیری و خودرایی.
سپس تأکید فرمودند: بیشتر لغزشگاه‌های افکار در سایه زرق و برق انواع طمع‌ها است (نهج‌البلاغه، ج ۱)
۳- تسبیح قرآن.
۴- تسبیح قرآن.
۵- تسبیح قرآن.
۶- تسبیح قرآن.
۷- تسبیح قرآن.
۸- تسبیح قرآن.
۹- تسبیح قرآن.
۱۰- تسبیح قرآن.
۱۱- تسبیح قرآن.
۱۲- تسبیح قرآن.
۱